

## روش فریقین در تفسیر آیه ۲۵ سوره انفال

سمیه خاری آرانی\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۱

علی راد\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۹

### چکیده

آیه ۲۵ سوره انفال، یکی از آیات مورد توجه در تفاسیر فریقین است. بررسی رویکرد مفسران در تفسیر این آیه به روشنی بیانگر آن است که مفسران برای بازکاوی و فهم مدالیل کلام الهی از روش‌های مختلفی بهره جسته و در این زمینه از روش و الگوی مشخصی پیروی نکرده‌اند؛ بلکه هر کدام بر اساس مبانی و اصول مورد پذیرش در نزد خود، به روشی روی آورده‌اند. این آیه از سه بخش تشکیل شده که بخش اول یعنی «وَأَنْتَقُوا فِتْنَةً» و میانی یعنی «لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً»، مشتمل بر ابهام‌هایی است که مورد توجه مفسران قرار گرفته است. این تحقیق، با نگرش توصیفی-تحلیلی، به بررسی روش مفسران در تفسیر آیه ۲۵ انفال در تفاسیر «التبیان»، «روض الجنان» و «المیزان» از شیعه و تفاسیر «جامع البیان»، «التحریر والتنویر» و «المنیر» از اهل سنت پرداخته است. بررسی‌ها نشانگر آن است که در میان تفاسیر فریقین، تفسیر «المیزان» از جهت غنای مباحث و در نظر گرفتن جوانب مختلف و نقد و بررسی آن‌ها و ارائه نظر مختار مبتنی بر آیات قرآن، جایگاه ممتازی دارد.

کلیدواژگان: آیه ۲۵ سوره انفال، تفاسیر فریقین، روش تفسیری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## طرح مسأله

بر اساس گفتار مفسران، آیه شریفه:

﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

محل معرکه آراء و نظرات مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی است.

این آیه می‌خواهد همه مؤمنین را از فتنه‌ای که مخصوص به ستمکاران از ایشان است و مربوط به کفار و قریش نیست زنهار دهد، و اگر در عین اینکه مختص به ستمکاران از مؤمنین است، و مع ذلک خطاب را متوجه به همه مؤمنین کرده برای این است که آثار سوء آن فتنه گریبان‌گیر همه می‌شود، و در پایان یادآور شده که خدا شدید العقاب است. بنابراین آیه از سه بخش تشکیل شده است. در بخش اول به مؤمنان فرمان می‌دهد که بترسید از فتنه که منظور از فتنه چه می‌باشد؟ این مد نظر می‌باشد. و در بخش میانی آیه: «لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» اصابت فتنه سؤال برانگیز است و این بخش از آیه نیز مورد توجه مفسران اعم از شیعه و سنی شده است. بخش پایانی روشن است و ابهام خاصی در آن دیده نمی‌شود.

تفسیر قرآن به عنوان تلاشی برای فهم معانی نهفته قرآن، دانشی است که از چندین جهت: مبانی(اصول)، قواعد(ضوابط)، منابع(مصادر و ماخذ) و روش شناسی، قابلیت بررسی و تأمل دارد.

منظور از مبانی، «اصول بنیادینی» است که هرگونه موضع‌گیری در خصوص آن‌ها، موجودیت تفسیر و یا قواعد روش تفسیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ نظیر مسأله اعجاز قرآن و ابعاد آن و بحث مصونیت قرآن(بابایی، ۱۳۸۵: ش: ۳).

قواعد یا ضوابط تفسیر نیز، کبرای قیاس یا حکم کلی هستند که به هنگام تفسیر، به امور جزئی تطبیق داده می‌شوند؛ نظیر قاعده ارجاع متشابه به محکم و قاعده جری و تطبیق. این قواعد برخاسته از مبانی و منابع تفسیری هستند و از این رو، نزد مفسران متفاوت می‌باشند(مؤدب، ۱۳۸۶: ش: ۳۰ و ۳۱).

منابع تفسیر که از آن با عنوان ماخذ و مصادر نیز یاد می‌شود به اموری اطلاق می‌گردد که اطلاعات و داده‌هایی که با مفاد آیات، تناسب محتوایی دارد را در اختیار مفسر قرار می‌دهد و معانی آیات و مفاد واژگان بکاررفته در آن را روشن می‌کند(بابایی،

۱۳۸۵ش: ۲۶۱). هر علمی دارای سه رکن عمده موضوع، هدف و روش است. در این میان، روش از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ به نحوی که اختلاف در آن، به اختلاف در کل تفسیر می‌انجامد (شاگرد، ۱۳۸۱ش: ۱۴۴ و ۱۴۵). روش در لغت به معنای راه روشن و آشکار آمده است و در اصطلاح، «روش» منهج و طریقه‌ای است که مفسر برای بازکاوی و فهم مدالیل کلام الهی، از آن بهره می‌گیرد. روش‌ها، برخاسته از مبانی تفسیری‌اند و ارتباط فراوانی با منابع دارند؛ به عنوان مثال، اگر مفسر بهترین ابزار و منبع در تفسیر را روایت معصوم بداند، روش تفسیری وی، اثری یا روایی خواهد بود؛ اما اگر مفسری، قرآن را به عنوان بهترین منبع بپذیرد، روش او، قرآن به قرآن خواهد شد (مؤدب، ۱۳۸۶ش: ۳۲). تفاسیر در فهم و استنباط مدلول کلام الهی، از روش و الگوی مشخصی تبعیت نکرده‌اند و بر اساس مبانی و اصول بنیادین مفسران، از روش‌های مختلف بهره گرفته‌اند. این تحقیق برآن است تا شش تفسیر از تفاسیر پر اهمیت فریقین را با رهیافت تطبیقی و با نگرش توصیفی-تحلیلی از جهت روشی و تفسیری مورد بررسی قرار دهد. به جهت افزایش دقت، بررسی روش تفسیری تفاسیر یادشده در ارتباط با آیه ۲۵ سوره انفال، محدود خواهد شد. تفاسیر یادشده که سه مورد آن‌ها از تفاسیر شیعی است به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

۱. «التبیان فی تفسیر القرآن» از شیخ الطائفة محمد حسن طوسی معروف به شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)

۲. «روض الجنان وروح الجنان» از ابو الفتوح رازی (قرن ششم)

۳. «المیزان فی تفسیر القرآن» از سید محمد حسین طباطبایی (م ۱۴۰۲ق)

سه مورد دیگر که از تفاسیر اهل سنت است به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

۱. «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» از ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)

۲. «التحریر والتنویر» از محمد طاهر بن عاشور (قرن چهاردهم)

۳. «المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج» از وهبه بن مصطفی الزحیلی

برای رسیدن به این منظور در ابتدا گزارشی از تفاسیر درباره آیه ۲۵ انفال ارائه خواهد شد و سپس مبتنی بر آن گزارش، تحلیلی در ارتباط با روش‌ها ارائه می‌گردد. در این تحلیل به سؤال‌های زیر توجه خواهد شد:

۱. در این تفاسیر فتنه به چه معنایی آمده است؟
۲. این تفاسیر اصابت فتنه را به چه کسانی می‌دانند؟
۳. وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبُنَّ جَوَابَ شَرْطِ مَطْلُوبٍ است یا نه؟

## الف. تفاسیر شیعه

### ۱. التبیان فی تفسیر القرآن: تألیف شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)

شیخ طوسی از علمای برجسته شیعه است و همین امر از جمله عواملی است که تفسیر وی را که به زبان عربی نگاشته شده و شامل تمامی آیات می‌باشد، از اهمیت خاصی برخوردار کرده است. «التبیان» از نخستین تفسیرهایی است که هم روش روایی دارد و هم روش قرآن به قرآن و دربردارنده گرایش‌های متعدد در تفسیر قرآن است. از این رو تفسیر او، ادبی، لغوی و کلامی است (مؤدب، ۱۳۹۲ش: ۲۲۸). نکات مورد توجه در تفسیر این آیه در این تفسیر بدین شرح است:

۱. شیخ طوسی در ابتدای تفسیر این آیه با بیان معانی کلمه «فتنه» به واژه شناسی می‌پردازد (طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۰۲).
۲. مفسر فتنه را به معنای بلیه‌ای که باطن انسان را ظاهر می‌سازد و هرج و مرجی که افراد را به ظلم می‌کشاند، می‌داند و بعد، اقوال دیگران را درباره فتنه بیان می‌کند. ابن عباس گفتند: خداوند مؤمنین را امر کرد که منکر را بین خودشان قرار ندهد پس خداوند عذاب را بر آن‌ها آورد. حسن فتنه را به معنای آزمایش می‌داند و ابن زید فتنه را به معنای گمراهی می‌داند و جبائی گفتند: منظور از فتنه عذاب می‌باشد (همان: ۱۰۳).
۳. شیخ طوسی در تفسیر «لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» می‌نویسد که اصابت فتنه به ظالمین شما نیست؛ بلکه به همه شما اصابت می‌کند (همان).
۴. ایشان در ادامه، در مورد وارد شدن نون تأکید ثقیله در «لَا تُصِيبَنَّ» به بیان دو دیدگاه می‌پردازد. دیدگاه اول از فراء است که آن را نهی بعد از امر می‌داند و معنی جزاء است (فراء، بی تا، ج ۱: ۴۰۷). مانند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ﴾ (نمل/۱۸)

و دیدگاه دوم آن را جواب قسم می‌داند (همان: ۱۰۳).

مفسر «التبیان» در تفسیر این آیه دو کلمه «فتنه» و «لا تصیب» را شرح می‌دهد و روی آن تأکید دارد و به قول این مفسر فتنه معنای بلیه‌ای که باطن انسان را ظاهر می‌سازد، و هرج و مرجی که افراد را به ظلم می‌کشاند بیان شده است و لا تصیب از دو دیدگاه جزئی و کلی مورد توجه می‌باشد که جزئی یعنی فقط مخصوص یک عده ظالمین و کلی همه افراد را در بر گرفته است.

جدول شماره ۱

تفسیر	تفسیر کلمه فتنه	تفسیر لا تصیب
التبیان	۱. بلیه‌ای که باطن انسان را ظاهر می‌سازد.	۱. نهی بعد از امر
	۲. هرج و مرجی که افراد را به ظلم می‌کشاند.	
	۳. آزمایش	۲. جواب قسم
	۴. گمراهی	
	۵. عذاب	
نظر مفسر	اقوال دیگران	

### روش تفسیری شیخ طوسی

شیخ طوسی در تفسیر آیه از واژه شناسی، زبان شناسی و مباحث مربوط به اختلاف قرائات استفاده کرده است؛ اما برای هیچ کدام از مباحث یادشده از عنوان مستقل، بهره نبرده است. وی به دقت، اقوال موجود در ارتباط با آیه را ذکر کرده و به جهت روشن شدن بیش تر بحث، برخی از سؤال‌های محتمل را مطرح می‌نماید و بدان‌ها پاسخ می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که وی در نهایت، جمع بندی مشخصی در این زمینه ندارد؛ به عنوان مثال، مشخص نمی‌کند که به نظر ایشان، مراد از «فتنه» چیست؟

### ۲. روض الجنان و روح الجنان: از ابوالفتوح رازی (قرن ششم)

این تفسیر به زبان فارسی نگاشته شده و شامل تمامی آیات قرآن می‌باشد. مفسر در تفسیرش از روش روایی و قرآن به قرآن بهره برده و به گرایش‌های کلامی، لغوی و فقهی

پرداخته است (مودب، ۱۳۹۲ش: ۲۳۰). نکات مورد توجه در تفسیر آیه مورد بحث بدین شرح است:

۱. *ابو الفتوح* در ابتدای تفسیر این آیه، به واژه شناسی کلمه «فتنه» پرداخته و در ادامه، نظرات دیگر مفسران در مورد این واژه را بیان می‌دارد. و در آن که مراد به فتنه چیست در آیه، مفسران خلاف کردند: *عبد الله عباس* گفت: معنی آیه آن است که خدای تعالی گفت: بر منکر خاموش مباشید و اصفا مکنید و رضا مدهید، عذاب خدای که بیاید ظالم را از ناظالم تمیز نکند، و این قول بیش‌تر مفسران است که «فتنه» در آیه عذاب است، پس عذاب چون بیاید ظالمان را بر ظلم (از کردن ظلم) باشد، و آنان را که آن ظلم نکرده باشند بر ترک امر معروف و نهی منکر، و آنان را که نامکلف باشند از اطفال و مجانین و بهایم بر سبیل امتحان. و تقدیر آیه آن است: و اتَّقُوا فِتْنَةً عَامَّةً غَيْرَ خَاصَّةٍ بِالظَّالِمِينَ (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۹۴)

۲. مفسر، اصل فتنه در این آیه را اختبار و امتحان و آزمایش، و آن بلیت را که باطن آدمی بدان پیدا شود، می‌داند و قول بیش‌تر مفسران در مورد فتنه در این آیه را که عذاب است، بیان می‌کند (همان).

۳. مفسر در ادامه، به واژه «لَا تُصِيبَنَّ» می‌پردازد و دو وجه در مورد آن که یکی نفی و دیگری نهی است را مطرح می‌کند. *عبد الله عباس* گفت: نفی است و در جای صفت فتنه افتاده است. *امّا فرّاء* و *کسائی* گفتند: کلام متضمّن تحذیر است و در این وجه ضعفی هست چون که فعل مضارع در جای جواب امر است نه در جای صفت، و جواب درست از او آن است که: کلام متضمّن شرط و جزاست و تقدیر آن است که: و اتَّقُوا فِتْنَةً لِّئِنْ لَمْ تَتَّقُوا تَصِيبَنَّكُمْ ظَالِمِينَ وَغَيْرِ ظَالِمِينَ: بپرهیزید از فتنه و بترسید، از عذابی که چون بیاید [به ظالم و ناظالم و به خاص و عام برسد، یعنی از صفت او این باشد که چون بیاید] عام بود به همه کس برسد (همان).

وجه دیگر آن است که: لا تُصِيبَنَّ نهی غایب است و در ظاهر نهی است فتنه را و در معنی مکلف را، و بر این وجه این دو کلام باشد هر یکی مفید و مستقل: و اتَّقُوا فِتْنَةً، کلامی باشد و، لا تُصِيبَنَّ کلامی دیگر، یعنی و اتَّقُوا فِتْنَةً مَبْهَمَةً غَيْرَ مَوْصُوفَةٍ، و فایده تنکیر آن که: فتنه‌ای که آن را وصف نتوان کردن. آنکه گفت لا تُصِيبَنَّ نبادا که آن فتنه

به ظالمان رسد خاص، و بر این قول، معنی بر عکس معنی اول باشد، معنای اولی این است که: فتنه عامّه تصیب الظّالم و غیر الظّالم، و بر این وجه (نهی) آن که: تصیب الظّالم خاصّه دون من لیس بظالم، گفت: بترسید از فتنه عظیم و نبادا که آن فتنه به ظالمان رسد از جمله شما (همان، ج ۹: ۹۵).

۴. ایشان در برخی موارد، برای توضیح بیش تر، از آیات دیگر نیز بهره می برد؛ به عنوان مثال، برای توضیح معنای کلمه «لَا تُصِيبَنَّ» آیه ﴿حَتَّىٰ إِذَا تَوَاعَىٰ وَاِذَ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (نمل ۱۸/۲۷) را به عنوان شاهد می آورد (همان: ۹۵).

۵. رازی در بخش دیگر، به سبب نزول آیه اشاره می کند. حسن بصری گفت: آیه در صحابه رسول آمد - طلحه و زبیر و عمّار - و گفت، زبیر این آیه می خواند و می گفت: ما سال ها این آیه می خواندیم و ندانستیم که از اهل این آیه هستیم تا بدیدیم خود آیه در حق ما بوده است. سدی گفت: آیه در اهل بدر آمد آنان که ایشان مقتول شدند روز جمل، مراد هم طلحه و زبیر باشند. بر این قول عبد الله بن مسعود گفت: هیچ کس نیست از ما و الا مفتون است به فتنه ای، الا تری الی قوله: ﴿أِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ (تغابن/ ۱۵)، پس هر که از شما پناه با خدای دهد، باید تا از مضلّات فتن پناه با خدای دهد. حذیفه بن الیمان گفت از رسول - علیه السّلام - شنیدیم که او گفت: گروهی اصحابان من از پس من چیزهایی می گفتند که باشد که خدای بیامرزد ایشان را آن به صحبت من، و جماعتی بر آن کار کنند و بر آن بروند و به دوزخ شوند. و ابو هریره گفت که، رسول - علیه السّلام - گفت: قیامت برنخیزد تا فتنه ای پیدا نشود عمیاء مظلّمه کور تاریک، که آن کس که در آن فتنه خفته باشد به از آن باشد که نشسته، و آن که نشسته باشد به از ایستاده باشد، و آن که ایستاده باشد به از رونده باشد، و آن که رونده باشد به از دونده باشد. یکی از جمله اصحاب، رسول را - علیه السّلام - گفت: یا رسول الله! اگر این فتنه مرا دریابد و من در تاختن باشم؟ گفت: تاختن مکن، با رفتن آی. گفت: اگر در رفتن باشم؟ گفت: بایست. گفت: اگر ایستاده باشم؟ گفت: بنشین. گفت: اگر نشسته باشم؟ گفت: دستها با خویشتن گیر و نگاه دار که بنده مظلوم باشی به از آن باشد که بنده ظالم باشی.

و حذیفه بن الیمان گفت: رسول - علیه السلام - گفت: فتنه‌ای بیاید چو پاره‌های شب تاریک، در او هلاک شود هر شجاعی سخت و هر سواری نکیر و نیک‌تاز، و هر خطیبی فصیح. و رسول - علیه السلام - گفت: «انّ الفتنه تجيء فتنس العباد نسفا فینجوا العالم منها بعلمه»: فتنه بیاید و بندگان خدای را نیست کند، عالم از آن به علم نجات یابد (همان: ۹۶). *ابوالفتوح رازی* در تفسیر آیه ۲۵ انفال در مورد معنای فتنه گفته است که به معنای اختبار، امتحان و آزمایش است و قول دیگران که به معنای عذاب می‌باشد را نیز بیان می‌دارد، و لا تصیبین را نیز از دو منظر مورد توجه قرار می‌دهد که برخی آن را نهی و برخی نفی دانسته‌اند.

جدول شماره ۲

تفسیر	تفسیر کلمه فتنه		تفسیر لا تصیبین
روح الجنان و روح الجنان	دیدگاه مفسر	۱. اختبار	۱. نفی
		۲. امتحان	
		۳. آزمایش	۲. نهی
	اقوال دیگران	۴. عذاب	

### روش تفسیری ابو الفتوح رازی

*ابو الفتوح* از علم قرائات، قواعد صرف و نحو عربی، واژه شناسی و شعر در تفسیر خود بهره می‌گیرد. البته این موارد، ذیل عنوانی مستقل نیامده و در لابه‌لای متن پراکنده است. ایشان به هنگام تفسیر آیه، هر از گاهی به آیات دیگر مرتبط اشاره می‌نماید، به طرح انواع دیدگاه‌ها علاقه‌مند است و به نظر مختار خود اشاره می‌نماید اما نسبت به اقوال، نقد و بررسی ندارد و دلایل انتخاب نظر مختار را نیز مورد بحث قرار نمی‌دهد.

### ۳. المیزان فی تفسیر القرآن: از سید محمد حسین طباطبایی (م ۱۴۰۲)

تفسیر «المیزان» به زبان عربی نگاشته شده و شامل تمامی آیات قرآن است. این تفسیر از تفاسیر مهمی است که از روش قرآن به قرآن و از گرایش‌های فلسفی، ادبی،



روایی، اجتماعی و علوم طبیعی برخوردار است (مؤدب، ۱۳۹۲ق: ۲۳۳). نکات قابل توجه در تفسیر این آیه که علامه متذکر شده، بدین شرح است:

۱. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه ابتدا بر قرائت واژه «لَا تُصِيبَنَّ» می‌پردازد. امام سجاد و امام باقر از ائمه اهل بیت (ع) و همچنین زید بن ثابت و ربیع بن انس و ابو العالیه به طوری که «مجمع البیان» نقل کرده آیه را «لتصیبین» - با لام و نون تأکید ثقیله - قرائت کرده‌اند، و بقیه قاریان آن را «لا تصیبین» - با لای ناهیه و نون تأکید ثقیله - قرائت نموده‌اند. و به هر تقدیر که باشد می‌خواهد همه مؤمنین را از فتنه‌ای که مخصوص به ستمکاران از ایشان است و مربوط به کفار و مشرکین نیست زنده بگذرد، و اگر در عین اینکه مختص به ستمکاران از مؤمنین است و مع ذلک خطاب را متوجه به همه مؤمنین کرده برای این است که آثار سوء آن فتنه گریبان‌گیر همه می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۵۰).

۲. وی در ادامه به تفسیر واژه «عقاب» در جمله «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» می‌پردازد و دلیلی که دلالت کند بر اینکه «عقاب» در این عبارت مختص به عقاب دنیوی از قبیل اختلافات قومی و شیوع قتل و فساد و از میان رفتن امنیت و آسایش باشد در دست نیست، و به همین جهت باید مقصود از فتنه هر چند مختص به بعضی از مؤمنین است فتنه‌ای باشد که تمامی افراد امت بایستی در صدد دفع آن برآیند، و با امر به معروف و نهی از منکر که خدا بر ایشان واجب کرده از شعله‌ور شدن آتش آن جلوگیری به عمل آورند (همان: ۵۱).

۳. ایشان در مرحله بعدی، به واژه فتنه پرداخته و بیان می‌دارد که فتنه‌ای که دامنه آن، همه (ظالمین و غیر ظالمین) را فرا می‌گیرد و از آن زنده بگذرد شده است، عبارت است از اختلاف داخلی بین امت (همان: ۵۲).

۴. مفسر در ادامه، به معنای آیه شریفه ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾ بنا بر قرائت مشهور و بنا بر قرائت «لَتُصِيبَنَّ» می‌پردازد که بنا بر قرائت زید و قرائت اهل بیت (ع) لام در «لَتُصِيبَنَّ» لام قسم و نون آن نون تأکید ثقیله است و بنا بر قرائت مشهور درباره کلمه «لا» گفته‌اند که «لای ناهیه» است و «نون مشدد» نهی را تأکید می‌کند (همان).

۵. علامه در پایان، اقوال دیگران را درباره قرائت واژه «لا تصیبن» بیان می‌کند. برخی گفته‌اند نهی در «لا تصیبن» نهی است که در جواب امر وارد شده است، و بعضی گفته‌اند کلمه لا زائد است، و بعضی دیگر گفته‌اند اصل لا تصیبن، لتصیبن بوده و فتحه لام اشباع شده و از اشباع فتحه الفی پیدا شده است. که این دو وجه اخیر بعید است و نمی‌توان کلام خداوند را حمل بر چنین وجهی نمود (همان: ۵۳).

مفسر «المیزان» در تفسیر آیه ۲۵ انفال فتنه را به معنای اختلاف داخلی بین امت می‌داند و بیان می‌دارد که این فتنه همه را شامل می‌شود، و فقط گروه خاصی را در بر ندارد و آیه متضمن خطابی است اجتماعی و متوجه عموم و مجموع است.

جدول شماره ۳

تفسیر	تفسیر کلمه فتنه	تفسیر لا تصیبن
المیزان	اختلاف داخلی بین امت	۱. جواب قسم ۲. نهی است که در جواب امر نیست. ۳. نهی است که در جواب امر وارد شده است. ۴. کلمه لا زاید است. ۵. اصل لا تصیبن لتصیبن بوده است.

### روش تفسیری سید محمد حسین طباطبایی

علامه طباطبایی در تفسیر آیه از آیات دیگر به وفور و تناسب بهره گرفته و به سیاق آیه در تفسیر توجه نموده است. به عبارتی می‌توان گفت که شاکله اصلی تفسیر ایشان را تفسیر آیه با اتکاء به خود آیه و آیات دیگر تشکیل می‌دهد. علامه طباطبایی خود در این باره می‌گوید: «در بحث از آیات شریفه، سخنانی را که به یاری خداوند نیل به آن با استفاده از روش برای ما میسر شده است در ضمن بیاناتی عرضه می‌کنیم، و از تکیه بر دلایل نظری فلسفی یا فرضیه‌های علمی یا مکاشفات عرفانی (و ذکر نکات و مقدمات بدیهی و نظری) خودداری می‌کنیم؛ مگر نکته‌ای ادبی که فهم اسلوب عربی نیازمند آن است یا مقدمه‌ای بدیهی یا عملی که (انسان‌ها) در فهم آن اختلاف ندارند» (همان: ۱، ۸).

ایشان از روایات به عنوان مؤید استفاده می‌نماید و البته اگر از خود قرآن، دلالتی واضح نداشت، روایت صحیح به کمک خواهد آمد. علامه با دقت و گستردگی، دیدگاه‌های موجود را ذکر و سپس آن‌ها را بر اساس سیاق آیه، قواعد صرف و نحوی و اعتبارات صحیح و عقل، نقد می‌نماید و جمع بندی مشخصی نیز در پایان ارائه می‌دهد. ایشان در ارائه بحث از آراء مفسرین و صحابه نیز استفاده می‌کند.

### ب. تفاسیر اهل سنت

#### ۱. جامع البیان عن تأویل آی القرآن: تألیف محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)

این تفسیر به زبان عربی است و از محوری‌ترین و معروف‌ترین تفاسیر اهل سنت به شمار می‌رود و جزو تفاسیر روایی محسوب می‌شود. در این تفسیر، مجموعه وسیعی از روایات تفسیری، گفتار صحابه و تابعان گرد آمده است (مؤدب، ۱۳۹۲ش: ۸۰). نکات مورد توجه در تفسیر این آیه در این اثر بدین شرح است:

۱. طبری واژه «فتنه» را معنا کرده، آن را به معنای آزمایش و بلا گرفته است و ابتلاء ایشان به معنای آزمایش و بلا یعنی آزمایش سخت می‌باشد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۹: ۱۴۴).  
۲. ایشان در ادامه گفته شده این آیه درباره قومی از اصحاب رسول خدا (ص) نازل شده است و روایات موجود در این باره را بیان می‌کند که عبارت‌اند از:

یک. برخی گفته‌اند که این آیه در مورد علی (ع)، عثمان، طلحه، و زبیر نازل شده و این چهار نفر گویی از مؤمنین‌اند که فتنه به آن‌ها می‌رسد.  
دو. این آیه نازل شد ما فکر نمی‌کردیم هیچ کدام در این فتنه بیفتیم.  
سه. برخی گفته‌اند این آیه نازل شده است در مورد اهل بدر و یا نازل شده در مورد اهل جمل.

چهار. برخی گفته‌اند این آیه در مورد اصحاب جمل نازل شد.  
پنج. برخی گفته‌اند خداوند، مؤمنین را امر کرد که منکر را بین خودشان قرار ندهند؛ پس خداوند، عذاب را برای آن‌ها آورد که در اینجا منکر مصداق دیگر الذین ظلموا است. آن‌ها به جای اینکه نهی منکر کنند اقرار به منکر کرده‌اند.  
شش. برخی گفته‌اند فتنه یعنی ضلالت؛ یعنی همه‌تان گمراه می‌شوید.

هفت. برخی گفته‌اند همه شما فتنه را دارید؛ یعنی فتنه اختبار است. خداوند که آزمایش می‌کند، بعضی از آن‌ها گمراه می‌شوند و اولاد وسیله‌ای برای آزمایش انسان‌ها هستند (مُضِلَاتِ الْفِتَنِ - اسم فاعل - فتنه‌های گمراه کننده. مَضَلَاتِ الْفِتَنِ - مصدر - فتنه‌های گمراه).

هشت. برخی گفته‌اند خداوند ما را با این آیه ترساند.

وی در ادامه به واژه «لَا تُصِيبَنَّ» می‌پردازد و بیان می‌کند که این واژه، جواب شرط نیست؛ بلکه نهی بعد از امر است (همان، ج ۹: ۱۴۴).

طبری در این آیه چون اقوال مختلفی ندارد نیاز به جمع بندی نیست و بیان داشتند که فتنه به نظر ایشان بلا و آزمایش است و در مورد لا تصیبن گفته‌اند که جواب شرط نیست بلکه نهی بعد از امر است یعنی امر کرد آن‌ها را و سپس نهی کرد آن‌ها را.

جدول شماره ۴

تفسیر	تفسیر کلمه فتنه	تفسیر لا تصیبن
طبری	آزمایش و بلا و آزمایش سخت	نهی بعد از امر

### روش تفسیری ابن جریر طبری

طبری تفسیر هر آیه را بدینگونه آغاز می‌کند: «القول فی تأویل قوله تعالی ...» و مقصود وی از تأویل همان تفسیر و بیان معنای آیه است؛ چون هر لفظ به معنای خاصی دلالت می‌کند و به عبارتی لفظ، طریق است و معنا، مقصد. سپس با گفتن «یعنی ...» تفسیر آیه را بر اساس رأی برتر بیان می‌کند و در صورت لزوم به تبیین واژگان مشکل آیه می‌پردازد و از اشعار و ضرب المثل‌های عرب بهره می‌گیرد. گاهی نیز در این جهت راه افراط می‌پیماید که از گسترش و سلطه او بر لغت و ادب عرب حکایت دارد.

آنگاه اقوال مختلف را جداگانه و به گونه‌ای منظم نقل می‌کند؛ بدین صورت که هر وجهی را با شماره‌ای می‌آورد و قول هر قائل را در خصوص هر وجه با عبارت «حدّثنی» یا «حدّثت» آغاز می‌کند؛ سپس سند خود را به آن قائل - به گونه‌ای مسلسل و زنجیره‌وار - بیان و با این روش، راه را برای تبیین ضعف یا قوت سند آماده می‌کند.

پس از بیان اقوال، غالباً آن‌ها را بدون ترجیح یا ذکر دلایل اعتبار هر یک از آن‌ها، رها می‌سازد؛ ولی در مواردی که به نظرش مهم است به ذکر دلایل اعتبار هر یک از اقوال

می‌پردازد، و برخی را نیز ترجیح می‌دهد و از شواهد عقلی و نقلی و لغت و ادب نیز بهره می‌جوید (معرفت، ۱۳۷۹ ش، ج ۲: ۱۶۴ و ۱۶۵). در این آیه، چون طبری اقوال مختلفی ندارد، نیاز به جمع بندی نیست. فتنه به نظر ایشان، به معنی بلا و آزمایش است و یک قیل هم زده است که این قول‌های ضعیف است که به مصادیق می‌پردازد.

## ۲. التحریر والتنویر: تألیف محمد طاهر بن عاشور (قرن چهاردهم)

این تفسیر به زبان عربی و شامل تمامی آیات قرآن است. ابن عاشور به مباحث اجتماعی، ادبی، بلاغی و لغوی اهتمام ورزیده و در تفسیر خود به نکته‌های علمی-تجربی عنایت داشته و مسائل و معضلات اجتماعی را در تفسیر آیات، بررسی کرده است (مؤدب، ۱۳۹۲ ش: ۲۰۹). نکات مورد توجه در تفسیر آیه بدین شرح است:

۱. ابن عاشور در ابتدای تفسیر آیه، ذیل عبارت «وَأْتَقُوا فِتْنَةً» در مورد واژه «فتنه» در این عبارت به تعریف و تبیین می‌پردازد. حاصل معنای فتنه به اضطراب آراء، اختلال روش و حلول ترس و تحذیر در نفوس مردم بازمی‌گردد (ابن عاشور، بی تا، ج ۹: ۷۱).

۲. در لغت‌شناسی از خود قرآن نیز بهره می‌گیرد؛ چنانکه در توضیح معنای «فتنه» به آیه «فَتَنَّاكَ فُتُونًا» (طه / ۴۰) و آیه «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره / ۱۹۱) اشاره می‌کند (همان).

۳. ابن عاشور در تفسیر «لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» می‌نویسد که فتنه به ظالمین شما اصابت نمی‌کند؛ بلکه به همه اصابت می‌کند. این فتنه که موجب داخل شدن اختلاف می‌شود همه را در بر می‌گیرد و تقریر می‌کند همه کسانی که چه در راه باطل و چه در راه حق‌اند همه آن‌ها ضرر می‌کنند (همان).

۴. و در ادامه روایات وارده در این زمینه را بیان می‌کند (همان: ۷۲).

۵. و بعد به تفسیر «لَا تُصِيبَنَّ» می‌پردازد که لای نهی می‌باشد نه لای نفی. و لای

نهی مقام مبالغه در تحذیر را بیان می‌کند پس جواب امر نمی‌باشد (همان).

۶. و در پایان به تفسیر «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» می‌پردازد؛ و اینکه آغاز آیه به

فعل امر می‌باشد به قصد شدت تحذیر می‌باشد و منظور از اینکه خداوند شدید العقاب این است که هر کس مخالفت کند از امرش به سزای عملش می‌رسد (همان: ۷۳).

ابن عاشور در تفسیر آیه ۲۵ انفال دو نکته را یادآور می‌شود چگونه است که فتنه به همه می‌رسد و به ظالم نمی‌رسد ایشان تحلیل می‌کند و ارتباط بین آیات را بیان می‌کند. این فتنه که موجب داخل شدن اختلاف می‌شود همه را در بر می‌گیرد و تقریر می‌کند همه کسانی که چه در راه باطل و چه در راه حق است همه آن‌ها ضرر می‌کنند.

جدول شماره ۵

تفسیر	تفسیر کلمه فتنه	تفسیر لا تصیبین
التحریر و التنویر	۱. اضطراب آراء	لای نهی نه نفی
	۲. اختلال روش	
	۳. حلول ترس	
	۴. تحذیر در نفوس	

### روش تفسیری ابن عاشور

ابن عاشور از علم قرائات، قواعد صرف و نحو عربی، واژه‌شناسی و شعر در تفسیر خود بهره می‌گیرد. البته این موارد، ذیل یک عنوان مستقل نیامده و در لابه‌لای متن پراکنده است. ابن عاشور تلاش کرده است تا در مباحث اجتماعی، لغوی و بلاغی قرآن تدبر و تأمل کند. او به مباحث اجتماعی، ادبی و بلاغی و لغوی، اهتمام ورزیده و در تفسیر هر سوره، به فضایل آن سوره، اهداف کلی آن، ترتیب نزول و معانی لغوی و بلاغی عبارات قرآن پرداخته است. ابن عاشور در تفسیر خود عنایت به نکته‌های علمی تجربی داشته و مسائل و معضلات اجتماعی را در تفسیر آیات، بررسی کرده است.

او از روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، گفتار صحابه و تابعین در تفسیر مدد جسته و به آیات فقهی هم به ایجاز اشاره کرده است. ابن عاشور تلاش کرده تا مباحث اجتماعی، لغوی و بلاغی را در قرآن، مورد تدبّر قرار دهد (ایازی، ۱۴۱۴ق: ۲۴۰).

این تفسیر از بهترین تفاسیر عصری و روزآمد به شمار می‌رود و با توجه به نیاز روز و مسائل مطرح شده در میان نسل جدید، به تبیین و تفسیر آیات و ارائه راه حل مشکلات حاضر در سایه رهنمودهای قرآن پرداخته و از ذکر نکات بلاغی و ادبی و بیان تناسب آیات و اهداف مترتب بر هر یک از سوره‌ها غفلت نورزیده و از مباحث بی‌فایده و روایات

اسرائیلی و جز آن نیز دوری جسته است. از این رو این تفسیر به عقل - بیش از نقل - نظر دارد و شدیداً به منقولات واهی به‌ویژه منقولات کعب الأَحبار تاخته است. با اینکه او اشعری مسلک است، گرایش عقلی متناسب با نهضت علمی عصر را برگزیده و از هرگونه سطحی نگری اجتناب کرده است (معرفت، ۱۳۷۹ ش، ج ۲: ۵۰۶).

### ۳. التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج: تألیف وهبه الزحیلی

تفسیر «المنیر» به زبان عربی و شامل تمامی آیات قرآن است. زحیلی تفسیرش را به سبکی جدید و اسلوبی نوین و بر اساس پرداختن به مسائل و معضلات اجتماعی و کلامی بنا نهاده است، به نظریه‌های علمی اشاره کرده و تلاش کرده است با کمک روایات عظمت قرآن را در بیان مسیر زندگی اجتماعی، نشان دهد (مؤدب، ۱۳۹۲ ش: ۲۱۳). مطالب مندرج در این تفسیر درباره آیه ۲۵ انفال عبارت‌اند از:

۱. الزحیلی بعد از ذکر آیه شریفه، تفسیر آیه را با عنوان «الاعراب» آغاز می‌نماید و ذیل آن، مباحث نحوی را در ارتباط با آیه بیان می‌کند (زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۹: ۲۸۷).
۲. در بخش بعدی، «المفردات اللغویة» را مطرح می‌کند (همان).
۳. در مرحله بعدی به «سبب نزول» می‌پردازد (همان).
۴. پس از بخش‌های فوق، الزحیلی ذیل عنوان «التفسیر والبیان» اقدام به تفسیر آیه می‌نماید.

۵. در اولین بخش تفسیر، پس از اشاره به اینکه خداوند بر حذر می‌دارد انسان را از حایل شدن بین او و قلبش، بر حذر داشتن انسان از فتنه را یادآور می‌شود و وارد تفسیر «فتنه» در آیه «وَأْتَقُوا فِتْنَةً...» می‌شود و بیان می‌دارد که فتنه، آزمایش است که در آن بلائی است و اختصاص به اهل معاصی و ارتکاب گناه ندارد؛ بلکه شامل همه می‌شود و اولین فتنه، فتنه عثمان بود (همان: ۲۹۲).

۶. سپس به تفسیر «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» می‌پردازد (همان).

۷. سرانجام در ذیل عنوان «فقه الحیة أو الأحكام» به ارائه جمع بندی از مباحث

فقهی آیه می‌پردازد (همان: ۲۹۴).

مفسر «المنیر» در تفسیر این آیه فتنه را به معنای آزمایشی گرفته است که در آن بلایی است و این نکته را بیان می‌دارد که فتنه اختصاص به اهل معاصی ندارد، بلکه همه را شامل می‌شود و مصداق آن فتنه عثمان است که اولین فتنه می‌باشد.

جدول شماره ۶

تفسیر	تفسیر کلمه فتنه	تفسیر لا تصیبن
المنیر	آزمایش	شامل همه افراد

### روش تفسیری وهبه الزحیلی

الزحیلی به شکلی سازمان‌دهی شده و ساختارمند، به مباحثی مانند «الاعراب»، «المفردات اللغویة»، «سبب النزول» و «التفسیر والبیان» می‌پردازد. وی در تفسیر آیه از آیات دیگر و روایات کمک می‌گیرد و در توضیح بخش‌های مختلف آیه، از بخش‌های دیگر آن بهره می‌گیرد.

### نتیجه بحث

در بخش اول مقاله، سه تفسیر از تفاسیر مهم شیعه از نظر روشی بر اساس آیه ۲۵ سوره مائده مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس آنچه در این بخش بیان شد به نظر می‌رسد که:

۱. تفاسیر سه گانه شیعه کم و بیش به مباحث لغوی، اختلاف قرائت‌ها، اقوال صحابه و تابعین و سایر مفسران و قواعد زبانی توجه داشته‌اند و از روایات نیز بهره گرفته‌اند؛ البته علامه طباطبایی بحثی درباره اختلاف قرائت‌ها ندارد. این موارد در ذیل عنوان‌های مستقل نیامده؛ بلکه در ذیل آیه و به صورت در هم تنیده و بدون تفکیک ارائه شده است.

۲. علامه طباطبایی با توجه به سیاق و قرائن درون آیه و نیز با اتکاء به آیات دیگر، به تبیین آیه می‌پردازد و نیز بر اساس قواعد عقلی و اعتبار صحیح، اقوال وارده را به صورت مفصل نقد و بررسی می‌نماید. ایشان پس از دستیابی به سازه مشخص، به ذکر روایات موجود می‌پردازد و از باب عرضه روایات به قرآن، روایاتی را که تناسب معنایی بیشتری



با آیه دارند، برمی‌گزینند. در «التبیان وروض الجنان» نیز اقوال مطرح می‌شود؛ اما بدون نقد رها می‌گردد. همچنین در این دو تفسیر بر خلاف تفسیر «المیزان»، استفاده‌ای از سیاق آیات صورت نمی‌پذیرد؛ هرچند که در مواردی، در تفسیر «روض الجنان» به آیات دیگر قرآن ارجاع داده می‌شود.

در بخش دوم مقاله نیز سه تفسیر مهم اهل سنت، از نظر روشی، در معرض تحلیل قرار گرفته است که بر اساس نکات بیان شده، به نظر می‌رسد که:

۱. هر سه تفسیر به مباحث لغوی، زبان‌شناسی، اختلاف قرائت‌ها، اقوال صحابه و تابعین و سایر مفسران توجه داشته است؛ اما در این میان، تفسیر «المنیر» فوق العاده سازمان‌دهی شده و ساختارمند به مباحثی چون «الاعراب»، «المفردات اللغویة»، «سبب النزول» و «التفسیر والبیان» پرداخته است.

۲. تفسیر طبری به طور عمده به روایات، متکی است که بخشی از آن‌ها، اقوال صحابه است؛ اما در دو تفسیر دیگر، در تفسیر آیه، کم و بیش از آیات دیگر بهره گرفته شده است و البته از روایات نیز استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که طبری در تفسیر آیه به سیاق آن توجهی نداشته و تقریباً هر بخش را به طور مجزا و منقطع از بقیه آیه معنا و تفسیر کرده است؛ اما الزحیلی در توضیح بخش‌های مختلف آیه، از بخش‌های دیگر آن بهره برده است. با توجه به نکات گفته‌شده به نظر می‌رسد که تفسیر «المیزان» از جهت غنای مباحث و بررسی جوانب مختلف و نقد و بررسی آن‌ها و ارائه نظر مختار بر اساس آیات قرآن، نسبت به تفاسیر دیگر شیعه و سنی در جایگاه ممتازی قرار دارد. تفسیر شیخ طوسی و ابو الفتوح رازی در بیان دیدگاه‌های دیگر و اثبات دیدگاه خویش، بحث و بررسی را به صورت مستدل ارائه نکرده‌اند.

تفسیر «المنیر» از نظر ساختارمندی و سازمان‌دهی در رتبه اول قرار دارد. در تفسیر روایی، طبری به روایاتی اشاره کرده است که با اعتقادات ایشان همخوانی دارد و وی در تفسیر خود حضور دارد. همه تفاسیر از روایات بهره برده‌اند؛ اما علامه طباطبایی بعد از آنکه مفصلاً درباره آیه بحث می‌کند و بر اساس سیاق آیه و سایر مباحث، آیه را تبیین می‌کند، از باب تأیید و یا ایضاح معنایی بیش‌تر به ذکر روایت می‌پردازد. ایشان آیه را

قائم به نفس خود تبیین می‌کند و بر آن است تا چیزی خارج از آیه بر آیه تحمیل نشود و از این جهت در بین همه تفاسیر ممتاز است.



## کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.  
ابن عاشور، محمد بن طاهر. بی تا، *التحریر والتنوير*، بی جا: بی نا.  
ایازی، سید محمد علی. ۱۴۱۴ق، *المفسرون حیاتهم ومنهجهم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.  
بابایی، علی اکبر. ۱۳۸۵ش، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.  
رازی، ابو الفتوح حسین بن علی. ۱۴۰۸ق، *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جعفر باحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.  
زحیلی، وهبه بن مصطفی. ۱۴۱۸ق، *التفسیر المنیر فی العقیدة والشريعة والمنهج*، بیروت: دار الفكر المعاصر.  
طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دار المعرفه.  
طوسی، محمد بن حسن. بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
فراء، ابو زکریا یحیی بن زیاد. بی تا، *معانی القرآن*، تحقیق احمد یوسف نجاتی و محمدعلی نجار و عبد الفتاح اسماعیل شلبي، مصر: دار المصرية للتألیف والترجمة.  
معرفت، محمد هادی. ۱۳۷۹ش، *تفسیر و مفسران*، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.  
مؤدب، سید رضا. ۱۳۸۶ش، *مبانی تفسیر قرآن*، قم: انتشارات دانشگاه قم.  
مؤدب، سید رضا. ۱۳۹۲ش، *روش‌های تفسیر قرآن*، ویرایش جدید، قم و تهران: دانشگاه و سمت.

## مقالات

- شاکر، محمد کاظم. زمستان ۱۳۸۱ش، «*نرمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*»، مقالات و بررسی‌ها، تهران، دانشگاه تهران.

## Bibliography

- Holy Quran Translation Makarem Shirazi.  
Ibn Ashour, Mohammed ibn Taher, Bey Taha, Al-Tahrir and Al-Tunvir, uninhibited, unnamed.  
Ayazi, Seyyed Mohammad Ali, 1414 AH, Al-Mufson Hayathem and Haghmeh, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.

- Babaei, Ali Akbar, 1385, Methodology of Qur'anic Interpretation, Qom and Tehran, Research Institute of Hawaii and University and Position.
- Razi, Abu al-Fatoh Hussein ibn Ali, 1408 AH, Rawz al-Jananan and Roh al-Jannafi, the commentary of al-Quran, research by Mohammad Jafar Yaghighi and Mohammad Mehdi Naseh, Mashhad, Islamic Studies Foundation, Astan Quds Razavi
- Zahili, Wahhab Ibn Mostafa, 1418 AH, al-Tafsir al-Munir al-iqiyada and al-Sharia and al-Munahed, Beirut, Dar al-Qur al-Mu'aser, second edition.
- Tabari, Abu Ja'far Mohammed ibn Jarir, 1412 AH, Jamea al-Bayan al-Haqwil al-Quran, Beirut, Dar al-Marrafa.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, 1417 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom, Islamic Publishing House of the Society of Teachers of Qom Seminary, Fifth Edition.
- Tusi, Mohammad ibn Hassan, Bey, Al-Tabayan Fei Tafsir Al-Quran, Beirut, Dar Al-Ya'a'at Al-Arabi.
- Farra Abu Zakriya Yahya bin Zayed, Beyat, Ma'ani al-Quran, Research: Ahmad Yousef Nejaty / Mohammad Ali Najjar / Abdel Fattah Ismail Shalabi, Egypt, Dar al-Emafsariye Laletarif and El-Translay.
- Murafat, Mohammad Hadi, 1379, interpretations and commentators, Qom, Cultural Institute of Al-Tamayd, first edition
- Moaddab, Seyyed Reza, 1386, The Basics of Quran Interpretation, Qom, Qom University Press.
- Moaddab, Seyyed Reza, 1392, Methods of Quran Interpretation, Qom and Tehran, University and Position, New Edition.

#### Articles

- Shakir, Mohammad Kazem, 1381, "Terminology of the Basics and Methods of Qur'anic Interpretation", Articles and Reviews, Tehran, University of Tehran.